



معنی لغت‌های مهم درس

اقلیت:	کم بودن، گروه اندک	رزم:	جنگ
اهرمن خویان:	دشمن صفتان	شناسنده:	آشنا کننده
آبشخور:	جایی که از آن می‌توان آب نوشید	آرامستان:	جای آسودن، محل آرامش
آرمیده‌اند:	آرام گرفته‌اند	بوم و بر:	سرزمین
پیکار:	جنگ	دو سویه:	دو طرفه
شناسنده:	آشنا کننده	فراخنا:	پهنا و گستردگی
کردگار:	آفریدگار	گرامی گوهر:	چیز با ارزش
گزند:	آسیب	مایه ور:	ثروتمند، ارجمند
می‌غرند:	فریاد می‌زنند	هراس:	ترس
گاهواره:	گهواره، مهد، زمین هموار	کام:	دهان
تپنده:	بی‌قرار، لرزان و جنبان	کردگار:	آفریننده
اهرمن:	اهریمن، شیطان	چونان:	چون آن، هم چون
کنام:	محل زندگی جانوران وحشی، بیشه	سر به سر:	سراسر
درویش:	فقیر	پویه کردن:	دویدن
زی:	به سوی	بن:	ریشه، ته، انتها
کردگار:	خداوند	ندا:	بانگ، آواز

معنی آیات

همی خواهم از کردگار جهان	شناسنده آشکار و نهان
از خداوند بزرگ که آفریننده جهان است و پنهان و آشکار جهان را می‌شناسد، می‌خواهم.	
که باشد ز هـ بـ د، نگهدارتان	همه نیک نامی بود یارتان
که از هر بدی و آسیب در امانتان نگه دارد و همیشه نیک نامی و یار و یاورتان باشد.	
ندانی که ایرانی، نشست من است	جهان سر به سر، زیر دست من است
نمی‌دانی که ایران جایگاه، وطن و محل نشست من است و جهان هستی به طور کامل در اختیار و زیر دست من است.	
همه یکدلانند، یزدان شناس	به نیک نامی ندارند از هراس
مردم ایران در هر قوم و قبیله‌ای که هستند، خدای یگانه را پرستش می‌کنند و با نیک نامی از بدی و پلیدی هراسی ندارند و یکدلند.	
دریغ است ایران که ویسران شود	گنام پلنگان و شیران شود
حیف است که ایران از بین برود و محل زندگی حیواناتی درنده مانند پلنگ و شیر شود. (محل زندگی و اشغال دشمنان گردد)	



چو ایران نباشد، تن من مباد در این بوم و بر، زنده یک تن مباد

آرزومندم که اگر قرار باشد ایران نابود شود، وجود من هم از بین برود و در این سرزمین حتی یک نفر هم زنده نماند.

همه سر به سر، تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم.

اگر ما همگی کشته شویم و جانمان را برای وطن فدا کنیم، از آن بهتر است که کشورمان را به دست دشمن دهیم.

خود ارزیابی

سوال ۱: چرا میهن را به مادر تشبیه می‌کنند؟ چون همانند مادر گرمی، بزرگ و عزیز است و همتایی ندارد. زندگی فرزند وابسته به مادر است، زندگی مردم نیز وابسته به میهن است. فرزند بدون مادر پا به هستی نمی‌گذارد، ملت نیز بدون میهن، وجود خارجی ندارند. میهن و مادر هر دو فرزندان خود را در آغوش می‌کشند.

سوال ۲: به نظر شما منظور از دو سویه بودن رابطه مادر و فرزند چیست؟

چون هم مادر، فرزند را دوست دارد و به خاطر فرزند از جان و مال خود می‌گذرد و هم فرزند نسبت به مادر مهر و محبت دارد؛ بنابراین این رابطه دو طرفه است.

سوال ۳: یک جامعه همدل چه ویژگی‌هایی دارد؟

اعضای آن یک صدا هستند و با همه تفاوت‌های فکری که دارند، یک دل هستند. اعضای جامعه یکدل با هم، همفکری می‌کنند و برای پیشرفت جامعه برنامه ریزی می‌کنند و به سوی پیشرفت قدم بر می‌دارند.

سوال ۴: چرا باید از وطنمان پاسداری کنیم؟ چون بدون وطن، ملت و مردم هم معنا ندارند و متحد نمی‌شوند؛ همچنین نا آرامی و هرج و مرج در وطن باعث هرج و مرج و آشوب در زندگی مردم و از بین رفتن عزت و ریختن خون انسان‌های بی‌گناه می‌شود.

گفت و گو

سوال ۱: شعری با محتوای همدلی و اتحاد، انتخاب کنید و درباره آن، گفت و گو کنید.

انیس جان غم فرسوده و بیمار هم باشیم
شود چون روز دست و پای هم در کار هم باشیم
دل هم جان هم جانان هم دلدار هم باشیم
سری در کار هم آریم و دوش بار هم باشیم
به هم آریم سر بر گرد هم بر کار هم باشیم
گهی خندان ز هم گه خسته و افکار هم باشیم
چو وقت مستی آید ساغر سرشار هم باشیم

بیا تا مونس هم یار هم غمخوار هم باشیم
شب آید شمع هم گردیم و بهر یکدگر سوزیم
دوای هم شفای هم برای هم فدای هم
به هم یک تن شویم و یک دل و یک رنگ و یک پیشه
جدایی را نباشد زهره‌ای تا در میان آید
حیات یکدگر باشیم و بهر یکدیگر می‌رییم
به وقت هوشیاری عقل کل گردیم بهر هم

برای زنده بودن، برای هم مردن، برای هم خندیدن، برای هم گریستن، برای هم جان دادن، برای هم سوختن، برای هم فدا شدن، برای هم مرهم گذاشتن، برای هم عقل کل شدن و... باعث سر زندگی و شادابی می‌شود. اگر تک تک افراد یک ملت به همین صورتی که در شعر آمده، با هم متحد باشند کسی یارای از بین بردن آن ملت را ندارد.

سوال ۲: نمونه‌هایی از هم‌زیستی و همدلی اقوام ایرانی را در کلاس مطرح کنید.
کشور ایران با وجود داشتن قومیت‌های مختلف از جمله ترک، کرد، لر، گیلک، بلوچ و... که هر کدام زبان و آداب و رسوم و فرهنگ خاص خود را دارند و همچنین با وجود پیروان ادیان و مذاهب مختلف در کشور و... تاکنون شاهد هیچ اختلاف قومی، قبیله‌ای و مذهبی نبوده و نخواهد بود. مردم در اتفاق‌های ناگوار، با تمام وجودشان به هم دیگر کمک کرده‌اند.

نوشتن

سوال ۱: ده واژه مهم املايي متن درس را بياييد و بنويسيد.
جلوه‌های مهربانی، شوق انگیز، نظام اسلامی، لهجه و گویش و آیین، آبشخور، روی و رخساره، گزند اهرمن خویان، اقوام یک صدا، دریغ

سوال ۲: در گروه‌های اسمی مشخص شده، هسته، وابسته و نوع آنها را بنویسید.
الف) فرزندان در پرتو گرم و گوارای مادر، جان می‌گیرند.

هسته وابسته پسین وابسته پسین
(صفت) (مضاف الیه)

ب) در همین دوران دفاع مقدس، ایرانیان همه برای وطن، تن را سپر کرده‌اند.
وابسته پیشین هسته وابسته پسین وابسته پسین
(صفت اشاره) (مضاف الیه) (صفت)

سوال ۳: پیام عبارت زیر را بنویسید.
«ایران ما به گلستانی می ماند که در دل و دامن خود، عزیزکانی را می پروراند و شیرۀ جان خویش در کامشان می دارد.»
انسان‌های آزاده با تمام وجود در دامن سرزمین عزیزمان رشد می‌کنند و حس انسان دوستی، وطن دوستی و غیرت را از پدران سرزمینشان به ارث می‌برند.

سوال ۴: جمله و بیت‌های زیر را از نظر رابطه تضاد معنایی واژه‌ها بررسی کنید و نتیجه را بنویسید.
تا کی آخر چوب نفشه، سر غفلت در پیش
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
خواب ■ بیدار

گر تکبر میکنی، با خواجهگان سِغله کن
وَر تَوَاضِع میکنی با مردم درویش کن
تکبر ■ تواضع - خواجهگان ■ درویش

به نزد مِ مِهان و به نَزْد کِ مِهان
به آزار مَـوِری، نیـرزد جِـمِهان
مِهان ■ کِهان

... با آرامش آن آرمیده اند و در آشوبش بی‌قراری کرده اند.
آرامش ■ آشوب - آرمیده‌اند ■ بی‌قراری کرده‌اند.

معنی ابیات شعر خوانی

کودکی از جِـمَلهٔ آزادگان رفت بُـوون با دو سه همزادگان

کودکی اصیل و نجیب با دوستان هم سن و سال خود برای بازی کردن بیرون رفت.



پای چو در راه نهاد آن پسر
پویه همی کرد و درآمد به سر
وقتی به راه افتاد با شادی شروع به دویدن کرد و با سر به زمین خورد.

پایش از آن پویه درآمد ز دست
مه و دل و مهره پشتش شکست
از شدت بازی و دویدن از پا درآمد و اشتیاقش از بین رفت و مهره کمرش هم آسب دید.
شد نفس آن دو سه هم سال او
تنگ تر از حادثه حال او
حال و روز هم بازی های او به خاطر این اتفاق از حال او هم بدتر شد.

آن کهه ورا دوست ترین بود گفت
در بُن چاهیش ببايد نهفت
کودکی که صمیمی ترین دوست او بود، گفت: بهتر است او را در ته یک چاه پنهان کنیم.

تا نشود راز چو روز آشکار
تا نشویم از پدرش شرمسار
برای اینکه این راز ما پنهان بماند و نزد پدرش شرمسار نشویم.

عاقبت اندیش ترین کودکی
دشمن او بود از ایشان یکی
کودک عاقبت اندیش، دانا و آینده نگر که اتفاقاً در بین آنها، دشمن آن پسر زخمی بود.

گفت: «همانا که در این همرهان
صورت این حال نماند نهان
گفت که: «از آنجا که همه مرا دشمن او می دانند، مرا متهم به انجام این کار می کنند و نسبت به من بدگمان می شوند»

زی پدرش رفت و خبردار کرد
تا پدرش چاره آن کار کرد
او به سوی پدرش رفت و او را از ماجرا باخبر کرد و پدر آن کودک برای آن اتفاق راه حلی پیدا کرد.

هر که در او جوهر دانایی است
بر همه چیزش توانایی است
هرکس که از هوشیاری و آگاهی بهره ای برده باشد، بر انجام هر کاری توانایی دارد.

دشمن دانا که غم جان بود
بهرتر از آن دوست که نادان بود
دشمن دانایی که روح انسان را دچار غم و اندوه می کند، بسیار بهتر از دوستی است که نادان و جاهل باشد.